

Two Different Methodological Aspects of Pareto Optimality and Their Correspondence with Islamic Instructions [in Economics]

Muhammad Hussein Karami (Research Institute of Hawzah and University; Email: mhkarami@rihu.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article history

Received: 2 March 2018

Revised: 15 April 2018

Accepted: 30 May 2018

Published online: 22 June 2018

Key words: Pareto Optimality, welfare economics, optimal allocation of resources, Social Welfare Function, Welfare distribution, functional distribution, beginning inventory

ABSTRACT

Welfare economics seeks to explain how to maximize welfare of society. It is noteworthy to mention that the two processes of allocation of resources and distribution of resources are of a significant role in the explanation. However, there exists a methodological difference of opinion as to which of these two processes Pareto optimality (efficiency) belongs. Does Pareto optimality refer to the way in which the highest level of [Gross] national product, i.e. optimal allocation, is achieved? Or does it speak of the distribution of the beginning inventory among individuals or of distribution of welfare in terms of Social Welfare Function? The allocative aspect, though not known as distribution, carries with it a concept of distribution of a product which is in close relationship with determining the relative price of each input and with the rights of those who are the owners of the factors of production. The distributive aspect of welfare economics is concerned with the distribution of the factors of production or with the beginning inventory. In this connection, it is made clear to what extent the utility is important for individuals and what the criterion for degrees in poverty or richness is. Having explained these two aspects, the article attempts to have a cursory glance at the Islamic view of each of these two aspects of welfare economics.

دو چهره متفاوت روش شناختی از بهینگی پارتو و تطبیق آنها با رهنمودهای اسلامی

محمدحسین کریمی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (mhkarami@rihu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۱ اسفند ۹۶
بازنگری: ۲۶ فروردین ۹۷
پذیرش: ۹ خرداد ۹۷
انتشار: ۱ تیر ۹۷

چکیده

اقتصاد رفاه به تبیین چگونگی بیشینه‌سازی رفاه یک جامعه می‌پردازد. در این تبیین دو حوزه تخصیص و توزیع نقش مهمی را ایفا می‌کنند. درباره بهینگی پارتو این اختلاف نظر روش شناختی در کار است که به کدام یک از دو حوزه یادشده تعلق دارد. آیا بهینه پارتو به چگونگی فراهم شدن بالاترین سطح از تولید ملی یعنی تخصیص بهینه اشاره دارد یا اینکه درباره توزیع موجودی‌های اولیه میان افراد جامعه یا توزیع رفاه در تابع رفاه اجتماعی سخن می‌گوید. هرچند چهره تخصیصی آن به عنوان توزیع شناخته نمی‌شود، ولی بیانی از توزیع محصول را نیز در ضمن خود دارد که با تعیین قیمت نسبی هر نهاده و حقوق دارندگان عوامل و نهاده‌های تولید ارتباط تنگاتنگی دارد. چهره توزیعی آن به توزیع عوامل و نهاده‌های تولید یا موجودی‌های اولیه مربوط می‌شود. در این حوزه مشخص می‌شود که مطلوبیت‌های افراد از چه اهمیتی برخوردارند و ملاک در مراتب فقر و غنا چیست. در این مقاله پس از بیان و توضیح این دو چهره، دیدگاه اسلام درباره هر یک از آنها نیز به اختصار بیان می‌شود.

واژگان کلیدی

بهینه پارتو، اقتصاد
رفاه، تخصیص بهینه
منابع، تابع رفاه
اجتماعی، توزیع رفاه،
توزیع کارکردی،
موجودی‌های اولیه.

۱ - پیش درآمد

بهیمنه پارتو پاره‌ای از پیکره اقتصاد رفاه است که در ضمن چند اثر از سوی پارتو ارائه شده است. این مبحث، اکنون به‌عنوان تخصیص بهیمنه منابع، حجم زیادی از اقتصاد رفاه را در کتب درسی اقتصاد خرد پوشش می‌دهد. با وجود این دیدگاه دیگری نیز درباره بهیمنگی پارتو وجود دارد که آن را مبحثی از تخصیص بهیمنه منابع نمی‌داند، بلکه این دیدگاه معتقد است که بهیمنه پارتو در اقتصاد رفاه، مربوط به تابع رفاه اجتماعی و نه تخصیص بهیمنه است.

این مقاله چند هدف را دنبال می‌کند: نخست بر آن است که تصویری گویا، ولی فشرده از اقتصاد رفاه و مولفه‌های اصلی آن یعنی تابع رفاه اجتماعی و تخصیص بهیمنه را ترسیم نماید و سپس دو چهره متفاوت از بهیمنه پارتو را، که یکی به تخصیص بهیمنه و دیگری به تابع رفاه اجتماعی اختصاص دارد، معرفی کند. برای اینکه خواننده بتواند به‌خوبی دو چهره یادشده را با یکدیگر مقایسه کند، حوزه رفاه و توزیع آن در هر یک از نقش‌های تخصیصی و تابع رفاه، به‌طور جداگانه توضیح داده می‌شود. افزون بر آن، هر یک از این دو بخش با نگرش اسلامی نیز نقد و بررسی می‌شوند.

۲ - چیستی اقتصاد رفاه

مبحث اقتصاد رفاه بخشی از علم اقتصاد است که در اقتصاد خرد و بخش عمومی مطالعه می‌شود. هدف اصلی از شکافتن اقتصاد رفاه در این مقاله آن است که مولفه‌های آن به‌خوبی مشخص شود و به‌سادگی بتوان هر یک از چهره‌های بهیمنه پارتو را به یکی از آن مولفه‌ها ارجاع داد. لازم است پیش از هر بحثی درباره مولفه‌های اقتصاد رفاه، که یکی از مباحث این مقاله را تشکیل می‌دهد، به این مسئله پرداخت که به‌طور کلی اقتصاد رفاه از چه چیزی سخن می‌گوید و چه هدفی را دنبال می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد رفاه این است که مطلوب‌ترین وضعیت رفاهی اقتصادی را برای یک جامعه معرفی کند. آشکار است برای دستیابی به چنین هدفی متغیرهای فراوانی باید مورد توجه قرار گیرند. مجهول بودن بسیاری از متغیرها در مواردی معرفی مطلوب‌ترین وضعیت رفاهی جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌کند و موجب می‌شود که معرفی چنین وضعیتی به آسانی میسر نشود. هدف پرکاربرد دیگر این است که بتوان با مقایسه دو وضعیت رفاهی، گرچه هیچ یک مطلوب‌ترین وضعیت نباشند، وضعیت مطلوب‌تر را برگزید. تشخیص وضعیت مطلوب‌تر از میان چند وضعیت نیز نیازمند دقت و تأمل است، ولی دسترسی به آن ساده‌تر است (لیارد و والترز، ۱۹۷۸، ص ۳).

هنگام سخن از مطلوب‌ترین وضعیت رفاه اقتصادی یا دست‌کم از وضعیت مطلوب‌تر، سؤال‌های متعددی مانند اینکه آن وضعیت رفاهی نزد چه فرد، گروه یا جامعه‌ای مطلوب‌تر یا مطلوب‌ترین است؟ معیار تشخیص وضعیت مطلوب‌تر یا مطلوب‌ترین وضعیت چیست؟ و... پیش می‌آید. این سؤال‌ها به ارزش‌های مورد پذیرش یک جامعه مربوط می‌شود و ممکن است در جوامع مختلف پاسخ‌های متفاوت به آنها داده شود. با توجه به این نکته در مبحث اقتصاد رفاه، نخست باید حوزه اعتقادی و ارزشی جامعه مورد مطالعه مشخص و اقتصاد رفاه در چهارچوب و بافت فرهنگی آن جامعه معرفی شود. در اقتصاد خرد و بخش عمومی متعارف، جامعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که اندیشه لیبرالیسم بر آن جامعه و مؤلفه‌های اقتصاد رفاه حاکم است.

۳- مولفه‌های اقتصاد رفاه

اقتصاد رفاهی که اکنون در کتب درسی رشته اقتصاد متداول است، به‌طورعمده مطلوب‌ترین وضعیت رفاه اجتماعی در یک جامعه سرمایه‌داری لیبرال را معرفی می‌کند. این اقتصاد رفاه از دو مولفه اصلی تشکیل می‌شود: یکی تخصیص بهینه منابع و دیگری تابع رفاه اجتماعی است. حل هم‌زمان این دو در دستگامی انجام می‌شود که تابع رفاه اجتماعی، تابع هدف است و تخصیص بهینه منابع به‌عنوان قیدی در کنار تابع رفاه اجتماعی قرار می‌گیرد. به‌این‌طریق با بیشینه کردن رفاه اجتماعی مقید، مطلوب‌ترین وضعیت رفاه اجتماعی به‌دست می‌آید.

در این بیشینه‌یابی، رفاه جامعه به مثابه تولید ملی یک جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد. واژه رفاه اجتماعی نیز به چگونگی توزیع تولید ملی میان افراد جامعه اشاره دارد. تولید ملی مانند کیک است که اعضای یک خانواده می‌خواهند در چگونگی پخت و توزیع آن تصمیم بگیرند. بحث درباره اندازه و کیفیت کیک همانند این است که درباره مقدمات و لوازم تولید بیشترین و مطلوب‌ترین محصولات ملی در یک جامعه تصمیم گرفته شود. هر چند در این تصمیم‌گیری به‌طورعمده به تخصیص بهینه منابع پرداخته می‌شود، ولی این بحث نیز مطرح می‌شود که هر یک از افراد شرکت‌کننده چه سهمی از تولید ملی را به خود اختصاص می‌دهند. در اقتصاد متعارف این نوع سهم‌بری، که می‌توان نام توزیع کارکردی بر آن نهاد، جدای از تخصیص بهینه مطرح نمی‌شود؛ بلکه همه مباحث مربوط به توزیع کارکردی و تخصیص بهینه منابع را زیر عنوان بهینه پارتو مطرح می‌کنند. گویا مسلم فرض می‌کنند که در توزیع کارکردی، هر فرد به اندازه مشارکت در تولید ملی سهم است.

برای پخت کیک مورد نظر، که در اینجا منظور درآمد

ملی است، هر فرد نهاده‌هایی را به میدان می‌آورد و عوامل تولید خود را به‌کار می‌اندازد. با توجه به این نکته این سؤال مطرح می‌شود که هر فرد چقدر از عوامل و نهاده‌های تولید را باید مالک باشد تا با وارد کردن آنها به عرصه تولید ملی در آن سهم شود. این مسئله نشان از آن است که در نظر گرفتن تنها سهم مشارکت هر فرد از تولید ملی در بهینه کردن رفاه اجتماعی کافی نیست، بلکه باید دارایی‌ها و موجودی‌های اولیه افراد (آورده‌های افراد به عرصه تخصیص) نیز ارزیابی شود. ارزیابی این موجودی‌های اولیه و وظیفه توابع رفاه اجتماعی است. توابع رفاه اندازه‌ای از عوامل و نهاده‌های تولید را، که هر فرد باید مالک باشد، بر حسب تناظرش با وضعیت حداکثرکننده رفاه در اقتصاد مشخص می‌کند (همان، ص ۴).

توابع رفاه اجتماعی که تاکنون ارائه شده‌اند متکی به یک‌سری اصول و اهدافی هستند که با مبانی ارزشی و اعتقادی داعیان آنها سازگار است. همه این توابع، معیاری را برای توزیع مالکیت عوامل و نهاده‌های تولید ارائه می‌کنند که با مبانی فکری جامعه مورد نظرشان سازگاری دارد. این معیار که برخاسته از یک تصمیم جمعی یا ترجیحات اجتماعی است، برای نخستین بار در آثار بنتام یافت می‌شود. وی در معیار رفاه اجتماعی خود به افزایش مطلوبیت کل اشاره می‌کند و معتقد است هر گاه مطلوبیت کل افراد جامعه افزایش یافت، رفاه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

بر اساس این معیار، نحوه توزیع عوامل و نهاده‌های تولید بر طبق حداکثر شدن مطلوبیت کل باید مشخص شود؛ به دیگر سخن هر توزیعی که مطلوبیت کل را افزایش دهد خوب است. پس از بنتام، مطلوبیت‌گرایان جدید خمیرمایه دیدگاه بنتام را حفظ و نواقص آن را برطرف کردند. در این سیر تاریخی صاحب‌نظران دیگری مانند رالز و آمارتیاسن به تدریج ظهور و با رد

مطلوبیت‌گرایی، توابع رفاه دیگری را مطرح کردند.^۱

۴. معرفی دو چهره از بهینه پارتو

پس از بیان ماهیت و مولفه‌های اقتصاد رفاه می‌توان سخن اصلی این مقاله را پیش کشید که بهینه پارتو به کدام یک از جنبه‌های یادشده تعلق دارد. آیا بهینه پارتو به چگونگی فراهم شدن بالاترین سطح از تولید ملی و توزیع کارکردی میان سازندگان آن اشاره دارد یا اینکه درباره توزیع موجودی‌های اولیه میان افراد جامعه سخن می‌گوید. پاسخ به این سؤال را می‌توان در آثار پارتو جستجو کرد. وی در سال ۱۸۹۷ میلادی، شرایطی را برای وضعیت بهینه ارائه کرد. در نظر او وضعیت بهینه، که به بهینه پارتو شهرت یافته، آن است که نتوان وضع یک فرد از افراد جامعه را بهبود بخشید، بدون اینکه دست‌کم وضع یک فرد دیگر بدتر شود. پارتو این تعریف را نخست برای تخصیص بهینه در تولید به کار برد و در آن هنگام، سخن او به‌طور کلی به مطلوب‌ترین وضعیت رفاهی جامعه ناظر نبود؛ ولی وی در سال ۱۹۱۳ میلادی و پس از آن در مقاله‌های خود تعبیرهایی را به کار برد که در میان اقتصاددانان در مراد و منظور او تردید ایجاد کرد (برگسون، ۲، ۱۹۳۸، ص ۴۰).

چیمن برای بیان تعبیر پارتو مثالی را به نقل از او ذکر می‌کند که در آن جامعه‌ای ترسیم شده است که می‌خواهد بدون اینکه به دیگران آسیب برسد، تعدادی مجرم را تبرئه کند. با توجه به این هدف، ضرایب تغییر در مطلوبیت‌های افراد جامعه را چنین توصیف می‌کند: «... افرادی انسان‌دوست [به نام‌های] ۱، ۲، ۳، که می‌خواهند مجرمانی [به نام‌های] ۴، ۵، ۶، تبرئه شوند، بدون اینکه

۱. برای مطالعه بیشتر درباره توابع رفاه اجتماعی رک: کرمی، ۱۳۹۴.

2. Bergson

افرادی [به نام‌های] ۷، ۸، چیزی را از دست بدهند، ضرایب‌های بالایی را برای مقادیر $[dU^6, dU^5, dU^4]$ و ضرایب تقریباً صفر را به مقادیر $[dU^8, dU^7]$ اختصاص می‌دهند» (همان، ص ۴۰-۴۶).

گرچه مثالی که از پارتو نقل شد به‌طور شفاف به مسئله اقتصادی مربوط نمی‌شود، ولی سیاستی را تبیین می‌کند که می‌تواند در بهینه و بهبود پارتو ریشه داشته باشد. این مثال همه شرایط بهبود پارتو را در خود دارد. ابتدا همانند آن فرض می‌کند که افرادی [به نام‌های] ۷، ۸، چیزی را از دست نمی‌دهند و مطلوبیت‌های آنان هیچ تغییری نمی‌کند. از سوی دیگر مطلوبیت مجرمانی [به نام‌های] ۴، ۵، ۶، با تبرئه آنان افزایش می‌یابد. آشکار است که این بیان ناظر به تخصیص بهینه نیست؛ زیرا این بهینه‌یابی بر اساس ترجیحات مجرمان و افراد دارای وضعیت ثابت، که در یک نظام بازار آزاد به مبادله می‌پردازند، فراهم نشده است؛ بلکه افرادی انسان‌دوست [به نام‌های] ۱، ۲، ۳، که به فرض خارج از افراد درگیر در بهینه پارتو هستند، این وضعیت را پدید آورده‌اند. این قضیه همانند این است که بهینه پارتو در جامعه‌ای براساس دخالت دولت و نه ترجیحات بازاری افراد جامعه پدید آید؛ از این‌رو برخی از اقتصاددانان، مانند چیمن و برگسون، بهینه پارتو را بیانی از یک تابع رفاه اجتماعی، که به معرفی مطلوب‌ترین وضعیت رفاهی جامعه می‌پردازد و به توزیع عوامل و نهاده‌های تولید مربوط می‌شود، دانسته‌اند و از سوی دیگر بسیاری از اقتصاددانان، مانند ساموئلسن، آمارتیا سن، لیارد و والترز این مثال را به تابع رفاه و توزیع عوامل و نهاده‌های تولید مربوط ندانسته و بهینه پارتو را در حد ساخت بزرگترین کیک و تولید ملی تقلیل داده‌اند.

دو چهره یادشده از بهینه پارتو تفاوت‌های چشم‌گیری با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها، که در واقع تفاوت‌های میان تخصیص بهینه منابع و توابع رفاه اجتماعی را

نکته دیگر، درباره توزیع رفاهی است که از فرآیند یادشده به دست می‌آید. در اقتصاد متعارف، رفاه حاصل از تخصیص بهینه منابع، با سازوکار قیمت میان صاحبان عوامل تولید و مبادله‌کنندگان محصولات توزیع می‌شود. این توزیع را، که بر اثر کارکرد عوامل و نیروهای بازار انجام می‌شود، می‌توان توزیع کارکردی نامید. توزیع کارکردی یادشده با تعیین قیمت نسبی هر نهاده ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا این قیمت، که در بازار عوامل تولید تعیین می‌شود، در حقیقت مبلغی است که در ازای عرضه هر واحد از نهاده به صاحبان آن پرداخت می‌شود. این قیمت صرفاً بر اساس عرضه و تقاضای عوامل تولید و قیمت‌هایی که در بازار شکل می‌گیرد تعیین می‌شود.

۶. نقد و بررسی حوزه رفاه و توزیع آن در نقش تخصیصی

بهینه پارتو

یکی از دغدغه‌های اساسی اقتصاددانان مسلمان این است که آیا قیمت نهاده‌ها، که در بازار عوامل شکل می‌گیرد و توزیع کارکردی که با پرداختی به صاحبان عوامل بر اساس آن قیمت انجام می‌گیرد، از نظر اسلام عادلانه است یا خیر؟ می‌توان گفت از نظر اسلام هر نهاده باید به اندازه ارزش افزوده‌اش از محصول سهم ببرد. در حقیقت از دیدگاه مبانی اقتصاد اسلامی میزان مشارکت هر عامل تولید در تولید محصول حقی را برای صاحبان عوامل پدید می‌آورد؛ زیرا میزان مشارکت آنان در تولید محصول را می‌توان به آنان نسبت داد و ادعا کرد که آنان به دلیل مشارکتشان بخشی از محصول را تولید کرده‌اند؛ از این رو آنان به اندازه مشارکتشان، صاحب حق خواهند شد. رعایت این حق و پرداختی سهمی معادل میزان مشارکت به صاحبان عوامل همانا عدالت اسلامی است.

بنابراین حق هر صاحب عامل تولیدی میزان مشارکتی است که آن نهاده در تولید محصول دارد. بر این اساس، اگر محصول میان صاحبان نهاده‌ها به گونه‌ای توزیع شود

نمودار می‌سازند، به قدری بحث‌برانگیز هستند که بیان آنها در یک مقاله به‌خوبی میسر نیست؛ از این رو در این مقاله سعی بر آن است که تنها به یک تفاوت مهم اشاره شود و آن محدوده رفاه تحت پوشش و توزیع آن میان افراد جامعه است.

۵. حوزه رفاه و توزیع آن در نقش تخصیصی بهینه پارتو

یکی از مباحث مهم اقتصاد رفاه محدوده و اندازه رفاه اقتصادی یک جامعه است. آشکار است که هر یک از دو چهره بهینه پارتو پاسخی متناسب با حوزه تحت پوشش خود به این سؤال بدهند. این مسئله در چهره تخصیص بهینه پارتو، با توجه به میزان و چگونگی تخصیص منابع به تولید کالاها و خدمات ارزیابی می‌شود. لیارد و والترز در این زمینه می‌گویند:

با فرض اینکه تابع رفاه خاصی داده شده باشد. جامعه صاحب همه نوع منابع: زمین، سرمایه و بالاتر از همه وقت شهروندان خود است. این منابع را می‌توان به روش‌های متفاوت در جهت ایجاد منافع برای افراد جامعه مورد استفاده قرار داد. ... می‌توانیم بگوییم منابع (یا عوامل تولید) همواره برای ایجاد تولید محصولات، مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا اولین موضوع عبارت از این است که چگونه این عوامل باید به محصولات تخصیص داده شود؟ پاسخ به این سوال، مقدار هر محصول و تکنیکی را که در نحوه ترکیب داده‌های (عوامل) تولید انعکاس می‌یابد، تعیین می‌کند (لیارد و والترز، ۱۹۷۸، ص ۴).

با توجه به این سخن، محدوده رفاه در چهره تخصیصی عبارت از مقداری از هر محصول است که با تخصیص بهینه عوامل، تولید شده‌اند. این مقدار محصول بیشترین مقدار محصولی است که می‌توان با عوامل تولید محدود به دست آورد و رفاه حاصل از این محصولات بیشترین رفاه جامعه خواهد بود.

معتقد است که مبانی تحلیل‌های اقتصاد متعارف درباره قیمت‌گذاری عوامل تولید با چهارچوب بازار عوامل در اقتصاد اسلامی سازگار است؛ از این رو قیمت و سهمی که با سازوکار اقتصاد متعارف برای هر عامل تولید تعیین می‌شود بر میزان شایستگی آن عامل در تولید محصول دلالت خواهد داشت. به دیگر سخن، اگر انتقال و جابه‌جایی آزادانه نیروی کار با سرمایه یا دارایی فیزیکی امکان‌پذیر باشد، هر یک از عوامل تولید در مواردی به کار گرفته شده و به اندازه‌ای (در بازار) قیمت‌گذاری می‌شوند که استحقاق آن را دارند (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳-۲۱۴).

از آنجاکه دیدگاه یادشده در تعیین میزان سهم عوامل تولید در اقتصاد اسلامی چهارچوب سهم‌بری در اقتصاد خرد متعارف را می‌پذیرد، لازم است برای بررسی آن نخست چگونگی شکل‌گیری عرضه و تقاضای عوامل تولید و بازار آنها و تعیین قیمت‌ها در این اقتصاد مرور شود و همچنین تطابق آن با چهارچوب حقوقی در سهم‌بری عوامل تولید در اقتصاد اسلامی نقد و بررسی شود. متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری قیمت نهاده‌ها در بازار عوامل دو گونه هستند: یکی متغیرهایی که در اختیار صاحبان عوامل تولید نیست و نمی‌توان آنها را به اراده و خواست آنان منتسب کرد و دیگری متغیرهایی که در اختیار آنان است و می‌توان آنها را به آنان منتسب کرد.

اگر برای سادگی تحلیل محصولی در نظر گرفته شود که در شرایط رقابت کامل تولید می‌شود، می‌توان از دسته اول این متغیرها در اقتصاد خرد متعارف، به قیمت محصول، تعداد بنگاه‌های تقاضاکننده نهاده و تعداد بنگاه‌ها یا واحدهای عرضه‌کننده آن نهاده اشاره کرد. در مورد متغیرهای دسته دوم نیز می‌توان از بازدهی نهایی محصول نام برد. بازدهی نهایی محصول، نتیجه تلاش صاحبان عوامل تولید است و می‌توان آن را به آنان منتسب کرد.

که هر یک به اندازه مشارکت خود در تولید سهم ببرند، این‌گونه توزیع نه تنها از نظر عقلاً عادلانه به شمار می‌آید، بلکه اندیشمندان اسلامی نیز عادلانه بودن آن را تأیید می‌کنند. شهید مطهری (ره) عدالت اجتماعی را به پاداش دادن و سهم‌بری به نسبت تلاش و تاثیر مشارکت‌کنندگان تفسیر می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰). به نظر ایشان اگر سهم افراد به اندازه مشارکت آنان داده نشود، ظلم و بی‌عدالتی است. علامه جعفری (ره) نیز با استناد به آیه «و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید!» می‌گوید: «کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی که به وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده، فقط و فقط باید به حساب خود به وجود آورنده یا به وجود آورندگان آنها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود» (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱).

به‌رغم اینکه اصل این مطلب، یعنی عادلانه بودن سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت، چندان قابل مناقشه نیست، ولی مباحث پیرامونی آن با ابهام‌های زیادی روبه‌روست. یکی از این مباحث پیرامونی این است که چه نوع سهم‌بری می‌تواند کاملاً بر میزان مشارکت نهاده‌ها در تولید محصول مطابقت داشته باشد.

برخی می‌گویند از آنجاکه در اقتصاد خرد متعارف قیمت هر نهاده بر اساس مشارکت صاحبان آن نهاده‌ها در تولید محصول تعیین می‌شود، می‌توان سازوکار تعیین قیمت در اقتصاد متعارف را به دلیل حکایت از میزان مشارکت صاحبان عوامل در تولید محصول و در نتیجه حقی که از این راه پیدا می‌کند، عادلانه دانست و در اقتصاد اسلامی نیز آن را پذیرفت. عیوضلو در این‌باره

۱. «وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَمْثِلًا لَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود، ۸۵).

عادلانه دانست و سپس آن را به اقتصاد اسلامی نیز سرایت داد.

۷ - حوزه رفاه و توزیع آن در نقش تابع رفاه بودن بهینگی

پارتو

اگر بهینه پارتو به مثابه تابع رفاه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، به‌طور کلی با عوامل و نهاده‌های تولید و موجودی‌های اولیه افراد روبه‌رو خواهیم شد. در این چهره از بهینگی پارتویی برخلاف چهره تخصیصی آن، به نقطه عزیمت به تخصیص نگرسته می‌شود. مبادله و تولید محصول در چهره تخصیصی نقش اصلی دارند؛ ولی عوامل تولید و موجودی‌های اولیه در چهره تابع رفاه نقش اصلی را ایفا می‌کنند و ارتباط آن با تخصیص تنها در این حد است که امکان ورود به تخصیص برای مالکان عوامل تولید و موجودی‌های اولیه فراهم خواهد شد و آنان می‌توانند محصول را مبادله و تولید کنند. با توجه به این نکته هنگامی که بهینگی پارتو به‌عنوان تابع رفاه به‌کار رود به این صورت تعریف می‌شود که اگر مطلوبیت ناشی از عوامل و نهاده‌های تولید، برای یک فرد از افراد جامعه افزایش یابد و مطلوبیت ناشی از آنها برای همه افراد دیگر ثابت بماند، در این صورت رفاه اجتماعی افزایش خواهد یافت.

این معنا را می‌توان با فرمول ساموئلسن برای تابع رفاه اجتماعی نشان داد. این فرمول معروف به رویکرد برگسون - ساموئلسن به صورت ذیل نشان داده می‌شود:

$$\frac{\partial W}{\partial x_i^r} = \frac{\partial W}{\partial U^r} \frac{\partial U^r}{\partial x_i^r}$$

در این فرمول، عبارت $\frac{\partial U^r}{\partial x_i^r}$ نشان می‌دهد که مصرف

هر واحد x چقدر مطلوبیت هر شخص را افزایش

می‌دهد و عبارت $\frac{\partial W}{\partial U^r}$ نشان می‌دهد که افزایش یک

واحد مطلوبیت هر فرد چقدر به رفاه اجتماعی می‌افزاید.

به دیگر سخن، این عبارت نشان می‌دهد که

اکنون اگر ادعای عیوضلو با توجه به دسته‌بندی یادشده از متغیرهای تأثیرگذار بر قیمت نهاده‌ها بررسی شود، به سادگی می‌توان گفت که این ادعا درست نیست؛ زیرا قیمت نهاده‌ها که در حقیقت با پرداختی به صاحبان آن نهاده‌ها برابر است حتی در اقتصاد خرد متعارف نیز با میزان مشارکت عوامل در تولید محصول معادل نیست و بر عادلانه بودن آن حکایت ندارد. همان‌طور که بیان شد، در اقتصاد خرد متعارف چندین متغیر در تعیین قیمت نهاده‌ها نقش دارند که از میان آنها تنها بازدهی نهایی نهاده‌ها را می‌توان حاصلی از تلاش صاحبان عوامل دانست و از این راه مدعی شد که بازدهی نهایی در مشارکت عوامل در تولید محصول نقش دارد؛ ولی متغیرهایی مانند قیمت محصول، تعداد بنگاه‌های متقاضی هر یک از عوامل تولید و تعداد بنگاه‌ها یا واحدهای عرضه‌کننده آن عوامل، در میزان مشارکت یک عامل تولید در تولید محصولش یا هیچ دخالتی ندارند و یا این دخالت آن قدر ناچیز است که به صاحبان نهاده‌ها نسبت داده نمی‌شود و در نتیجه حقی را برای آنان اثبات نمی‌کند.

متغیرهای یادشده نه تنها حقی را از راه مشارکت برای صاحبان نهاده‌ها به اثبات نمی‌رساند، بلکه حتی ممکن است با وجود آنها قیمت‌ها به‌گونه‌ای شکل بگیرند که ضررها یا منافی را به ناحق عاید صاحبان نهاده‌ها کند. برای نمونه اگر عرضه نیروی کار افزایش یا تقاضای آن کاهش یابد، ممکن است سطح دستمزد پایین‌تر از نیاز و حد کفاف کارگران تعیین شود؛ در صورتی که نمی‌توان کارگران را مستحق چنین ضررها یا منافی دانست. اقتصاد خرد متعارف بدون اینکه در مورد این آثار راه‌حلی ارائه کند، آنها را به سازوکار بازار وامی‌نهد؛ در صورتی که اسلام برای رفع آنها راه‌حلی ارائه کرده است. در مجموع، با توجه به مطالب بالا باید گفت که نمی‌توان سازوکار تعیین قیمت عوامل تولید را در اقتصاد متعارف

فرد غنی افزایش یابد و چه مطلوبیت فرد فقیر، در هر دو حالت رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد. تنها تفاوت در میزان افزایش است. از آنجاکه فرد فقیر از مصرف کالای X_1 بیشتر از فرد غنی مطلوبیت می‌برد، تأثیر بیشتری نیز در رفاه اجتماعی خواهد داشت. به دیگر سخن، هرچند ضریب تأثیرگذاری مطلوبیت افراد فقیر و غنی یکسان و برابر با یک است، ولی فرد فقیر از مصرف خود مطلوبیت بیشتری نسبت به فرد غنی می‌برد و تأثیرگذاری مطلوبیت‌های او بر رفاه اجتماعی نیز بیشتر از فرد غنی خواهد شد.

۸- نقد و بررسی حوزه رفاه و توزیع آن در نقش تابع رفاه

بودن بهینه پارتو

بر اساس مطالب پیش‌گفته آشکار شد که بر طبق بهینگی پارتو تنها میزان مطلوبیتی که افراد جامعه از موجودی‌های اولیه می‌برند در رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این مطلب، معیار تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان است که می‌گویند همه چیز در تابع رفاه باید بر اساس میزان مطلوبیت افراد از موجودی‌های اولیه مشخص و تعیین شود. در اقتصاد اسلامی این معیار را می‌توان از چند نظر نقد کرد که در اینجا تنها به دو جنبه از آنها، یعنی ملاک اهمیت مطلوبیت افراد و ملاک در مراتب فقر و غنا، با مروری به برخی از آیات و روایات اشاره می‌شود.

ملاک اهمیت مطلوبیت افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی: با بررسی متون دینی آشکار می‌شود که از نظر اسلام از یک سو نقش مطلوبیت و خواست افراد در ترجیحات و اداره زندگی قابل انکار نیست و از سوی دیگر، این ترجیحات ارزش مطلق نیز ندارند؛ بلکه مطلوبیت‌ها در پرتو عناصر اصلی نقش‌آفرین در تکامل انسان مورد توجه قرار می‌گیرند. در حقیقت در جوامع اسلامی، به جای انسان‌محوری، خدامحوری حاکم است و

مطلوبیت‌های افراد چقدر در تابع رفاه اجتماعی تأثیر دارند (سامولسن^۱، ۱۹۶۶، ص ۲۴۶) و مطلوبیت‌های افراد از نظر اجتماعی از چه اهمیت و وزنی برخوردارند (سوزامورا^۲، ۱۹۸۷، ص ۳۳۴).

برای تطبیق بهینگی پارتو بر فرمول یادشده فرض می‌شود موجودی اولیه همه افراد غیر از فرد A از کالای X_1 ثابت است و تنها موجودی اولیه فرد A از این کالا افزایش می‌یابد. در این صورت بر طبق بهبود پارتو باید رفاه اجتماعی افزایش یابد. این افزایش بستگی به وزن و میزان اهمیت تأثیر مطلوبیت فرد A در رفاه اجتماعی دارد. از آنجاکه بهینگی پارتو نمونه‌ای از مطلوبیت‌گرایی می‌باشد، اعتقاد بر این است که مطلوبیت‌های افراد از نظر اجتماعی ارزش و وزن یکسان دارند و به تعبیر ریاضی، همه آنها دارای ضریب یک هستند. به دیگر سخن، مطلوبیت‌گرایان معتقدند میان مطلوبیت‌های هر فرد و رفاه اجتماعی رابطه یک به یک برقرار است. افزایش مطلوبیت‌های هر فرد به اندازه یک واحد موجب افزایش رفاه اجتماعی به اندازه یک واحد خواهد شد. سوزامورا رابطه میان بهبود و بهینه پارتو را با رفاه اجتماعی این‌گونه توصیف می‌کند:

توجه داشته باشید که در پس مفهوم بهینه پارتو آنچه را که می‌توان اصل پارتو نامید نهفته است؛ یعنی این اصل که: تغییر از وضعیت Z به وضعیت Q ، در صورتی که دست‌کم وضع یک نفر بهتر شود و وضع هیچ کس بدتر نشود، از نظر اجتماعی ترجیح دارد (همان، ص ۴۱۸).

با توجه به این معنا، در افزایش رفاه اجتماعی تفاوتی میان افزایش مطلوبیت افراد در کار نیست؛ چه مطلوبیت

1. Samulsen
2. Suzumura

در کارها و امور اجتماعی با آنان مشورت کند؛ ولی از آنجاکه دیدگاه افراد درباره سیاست‌ها و تصمیم‌های اجتماعی همیشه درست نیست، برای خواست آنان به طور مطلق اعتبار قائل نیست؛ بلکه پیامبر اکرم ص را مأمور می‌کند که خود تصمیم نهایی را، به‌گونه‌ای که با رهنمودهای الهی سازگار باشد، بگیرد و پس از آن در انجام آن امور بر خدا توکل کند.^۱

در فرمان امیرالمؤمنین ع به مالک اشتر نیز به برخی فواید در تخفیف مالیاتی اشاره شده است که به رعایت و توجه هر چه بیشتر به رأی و خواست مردم دلالت دارد. در این فرمان به‌طور شفاف بیان شده است که با این تخفیف مالیاتی:

...ستایش مردم را به خود جلب کرده و شادمان هستی که سفره عدالت را در میان آنان گسترده‌ای، درحالی‌که با قوت بخشیدن به آنان به وسیله ذخیره‌ای که در تخفیف مالیات نزد ایشان نهاده‌ای، می‌توانی بر آنان اعتماد کنی و با عدالت و مهربانیت که آنان را به آن عادت داده‌ای بر آنان مطمئن باشی، چه بسا گرفتاری‌هایی که پیش آید که پس از نیکی به مالیات‌دهندگان اگر حل آن را به آنان واگذاری با طیب خاطر بپذیرند...

قابل توجه است که همه این تخفیف‌ها تنها برای ایجاد انگیزه در انجام افعال صالح و ترجیح اهم بر مهم است و به‌هیچ‌وجه به تغییر در رهنمودهای اسلام به دلیل خواست آنان مربوط نمی‌شود. حضرت علی ع در نامه‌ای به مأمور دریافت زکات با سفارش بسیار بر توجه به رأی و نظر زکات‌دهندگان، که نشان از مطلوبیت‌های آنان است، می‌فرماید:

... حیوانات را دو دسته قرار داده، سپس صاحبش را

۱. «... وَ شَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹).

رفاه اجتماعی بر طبق خواست و اراده خداوند متعال تفسیر می‌شود.

از دید متون اسلامی شکی نیست که انسان برای پیمودن یک سیر تکاملی، که نهایت آن تقرب الهی است، آفریده شده است. این هدف ایجاب می‌کند که همه امکانات مادی نیز برای دستیابی انسان به این هدف آفریده شده باشند. از دیدگاه اسلام باید رفاه اقتصادی و اجتماعی زمینه‌های لازم اقتصادی برای تکامل افراد را فراهم کند. هر متغیری که زمینه‌های رفاهی بیشتری را برای تعداد زیادتری از افراد جامعه در پیمودن این سیر تکاملی فراهم آورد، نقش مؤثرتری در رفاه اجتماعی خواهد داشت. این متغیر با این ویژگی‌ها می‌تواند در مواردی از خواست و مطلوبیت‌های افراد نشئت گیرد.

به دیگر سخن، گاه خواست‌ها و مطلوبیت‌های افراد جامعه می‌تواند به‌خودی‌خود انسان را در مسیر تکامل و تقرب الهی قرار دهد. تنها در چنین مواردی باید نقش مطلوبیت‌های افراد را در بیشینه کردن رفاه اجتماعی مورد توجه قرار داد. بنابراین با توجه به این محدودیت در نقش‌آفرینی مطلوبیت‌های افراد در اقتصاد اسلامی، تابع رفاه اجتماعی مورد نظر اسلام از مطلوبیت‌گرایی و به‌ویژه بهینگی پارتو متمایز می‌شود. در اقتصاد اسلامی اعتبار مطلوبیت‌ها مقید به این است که انسان و جامعه را در مسیر تکامل قرار دهد، ولی در مطلوبیت‌گرایی مقید به هیچ قیدی نیست؛ بلکه مطلوبیت و خواست افراد معیار برای رفاه است.

این نکته در جهت‌دهی‌ها و رهنمودهای اسلام بسیار شفاف و برجسته است. یک نمونه آن مشورت والیان با مردم در امور اجتماعی است. اسلام با توصیه به مشورت‌خواهی والیان از مردم می‌خواهد افراد جامعه را در اجرای رهنمودهای الهی با خود همراه کند تا آنان رغبت بیشتری در انجام امور و اطاعت از والیان داشته باشند؛ از این‌رو خداوند متعال از پیامبر اکرم ص می‌خواهد

آزاد بگذار، هر قسمت را پذیرفت تو هم بپذیر و بر او ایراد مگیر، سپس باقی مانده را دو قسمت کن و باز مالکش را آزاد بگذار، او هر دسته را اختیار کرد متعرضش مشو. پیوسته این تقسیم کردن را ادامه بده تا به اندازه حقی که از خداوند در مال اوست بماند، سپس حق خدا را از او بگیر و اگر به هم خوردن آن تقسیم را درخواست کرد بپذیر و دو قسمت را یکی کن، دوباره برنامه تقسیم را از سر بگیر، تا حق خدا را از مال او بگیری... .

نکته قابل توجه این است که همه این سفارش‌ها در جلب‌نظر مردم تنها در شیوه مالیات‌ستانی و نه در اصل یا مقدار آن است؛ بلکه حضرت در مورد اصل و مقدار زکات مأمور است که حق خدا را از مال مردم دریافت کند. بنابراین، آنچه اهمیت و اولویت دارد اجرای رهنمودهای اسلام است که تقرب الهی را به همراه دارد. مطلوبیت‌های افراد جامعه تا آنجاکه در این مسیر قرار گیرند نیز اهمیت دارد.

ملاک در مراتب فقر و غنا: بهینگی پارتو در نقش تابع رفاه اجتماعی در توزیع موجودی‌های اولیه میان فقیر و غنی تفاوت نمی‌گذارد؛ بلکه ملاک در این توزیع افزایش میزان مطلوبیت است. با یک سیاست توزیعی، هنگامی که وضعیت پس از توزیع مطلوبیت بیشتری نسبت به وضعیت پیش از توزیع داشته باشد، بهبود پارتویی روی می‌دهد؛ خواه به فقیر توزیع شده باشد خواه به غنی؛ در صورتی که اسلام در این مسئله موضعی کاملاً متفاوت دارد. در اقتصاد اسلامی تأکید بر توزیع موجودی‌های اولیه به فقرا و نه اغنیاست. خداوند متعال زکات را، که به‌طورعمده صرف موجودی‌های اولیه

می‌شود، ویژه فقرا و مساکین و... می‌داند.^۱ حتی فراتر از اینکه باید موجودی‌های اولیه به فقرا توزیع شود، می‌توان از برخی آیات استفاده کرد که این موجودی‌ها را نباید میان اغنیا توزیع کرد. در این صورت، توزیع میان آنها نه تنها رفاه اجتماعی را افزایش نمی‌دهد، بلکه کاهش نیز خواهد داد. قرآن درباره فیء می‌فرماید: «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، یتیمان، مستمندان و درراه‌ماندگان است» و سپس در حکمت این حکم می‌فرماید: «... تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد!...»^۲ این آیه توزیع اموال فیء را میان ثروتمندان نادرست می‌داند؛ زیرا ثروتمندان را ثروتمندتر می‌کند و این امر موجب می‌شود که ثروت‌ها در دست ثروتمندان به چرخش درآید و فقرا از آن نصیبی نداشته باشند.

باید توجه داشت که این آیه به‌طورکلی ناظر به توزیع کارکردی و آنچه ثروتمندان با دسترنج خود به دست می‌آورند نیست. توزیع فیء برای توزیع‌شوندگان، توزیع کارکردی نیست؛ بلکه این اموال نخست در دست حکومت اسلامی قرار می‌گیرد و سپس در مورد خودش صرف می‌شود؛ از این‌رو توزیع آنها توزیع مجدد است و برای توزیع‌شوندگان، موجودی اولیه به شمار می‌آید.

این مسئله اگر فراتر از شرط ثابت بودن رفاه افراد جامعه غیر از یک فرد (شرط بهینگی پارتو) در نظر گرفته شود، آشکارا می‌توان از منابع اسلامی استدلال کرد که نه تنها موجودی‌های اولیه را باید میان فقرا و نه اغنیا توزیع

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَرَمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۶۰).

۲. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر، ۷).

کرد، بلکه باید از اموال اغنیا گرفته شود و میان فقرا توزیع شود. در این باره آیاتی دلالت دارند بر اینکه در اموال اغنیا حقی برای سائل و محروم هست^۱ و نیز در این باره امام صادق (ع) از پدران بزرگوار خود و ایشان از امیرالمومنین (ع) روایت کرده‌اند که:

خداوند در مال‌های مردم توانگر به اندازه‌ای که برای فقرای آنها زیاد هم هست، واجب کرده است. پس اگر فقیری ضایع و گرفتار شده و یا در رنج و سختی افتاده و یا برهنه مانده است، به دلیل آن حقوقی است که غنی از او منع نموده است و خدای عزوجل در این باره، اغنیا را در روز قیامت محاکمه می‌کند و با عذاب دردناکی از آنان انتقام می‌گیرد.^۲

۹- نتیجه‌گیری

تاکنون دو چهره روش‌شناختی متفاوت از بهینگی پارتو ارائه شده است. در چهره تخصیصی آن که به اقتصاد اثباتی یا اخباری تعلق دارد، رفاه حاصل شده از تخصیص بهینه منابع، با سازوکار قیمت میان صاحبان عوامل تولید و مبادله‌کنندگان محصولات توزیع می‌شود. توزیع کارکردی یادشده با تعیین قیمت نسبی هر نهاده ارتباط نزدیکی دارد و از این رو به حقوق صاحبان عوامل و نهاده‌های تولید نیز مربوط می‌شود. هر چند در اقتصاد متعارف از این حقوق بحثی به میان نمی‌آید، ولی این مسئله از آنجاکه به ارزش‌ها مربوط می‌شود در اقتصاد

تاکنون دو چهره روش‌شناختی متفاوت از بهینگی پارتو ارائه شده است. در چهره تخصیصی آن که به اقتصاد اثباتی یا اخباری تعلق دارد، رفاه حاصل شده از تخصیص بهینه منابع، با سازوکار قیمت میان صاحبان عوامل تولید و مبادله‌کنندگان محصولات توزیع می‌شود. توزیع کارکردی یادشده با تعیین قیمت نسبی هر نهاده ارتباط نزدیکی دارد و از این رو به حقوق صاحبان عوامل و نهاده‌های تولید نیز مربوط می‌شود. هر چند در اقتصاد متعارف از این حقوق بحثی به میان نمی‌آید، ولی این مسئله از آنجاکه به ارزش‌ها مربوط می‌شود در اقتصاد

جنبه دیگر، ملاک و معیار توزیع میان فقیر و غنی است. در بهینگی پارتو ملاک در این توزیع، افزایش میزان مطلوبیت است. هرگاه با یک سیاست توزیعی، وضعیت پس از توزیع، دارای مطلوبیت‌های بیشتری نسبت به وضعیت پیش از توزیع باشد، خواه توزیع یادشده به فقیر انجام شده باشد و خواه به غنی، بهبود پارتویی روی داده است؛ در صورتی که در اسلام تأکید بر توزیع موجودی‌های اولیه به فقرا و نه اغنیاست. با توجه به این نکته، اگر رفاه افراد غنی با موجودی‌های اولیه افزایش یابد، رفاه اجتماعی نخواهد یافت؛ ولی اگر رفاه افراد فقیر افزایش یابد، رفاه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت.

۱. «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات، ۱۹)؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارف، ۲۴-۲۵)؛ «وَأَتْتَبْنَا ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَدِّرُوا بَعْدَهُ» (اسراء، ۲۶)؛ «فَاتِّبِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (روم، ۳۸).

۲. وَ عَنْهُ عَنِ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَىٰ أَعْيَابِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسْعُ فُقْرَاءَهُمْ فَإِنْ صَاعَ الْفَقِيرُ أَوْ أَجْهَدَ أَوْ عَرِيَ فِيمَا يَمْنَعُ الْغَنِيُّ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُحَاسِبُ الْأَعْيَابِ فِي ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۲۸).

منابع

- * قرآن کریم
 جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، کار و ثروت در اسلام، بی‌جا: پیام آزادی.
 عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، عدالت و کارآیی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 کرمی، محمدحسین (۱۳۹۴)، توابع رفاه اجتماعی، تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱ (عدل الهی)، تهران: صدرا.
 _____ (۱۳۸۸)، بیست گفتار، تهران: صدرا.
- Bergson, Abram (1983), "Pareto On Social Welfare", *Journal of Economic Literature*, Vol. 21, No. 1, pp. 40-46.
 ——— (1938), "A Reformulation Of Certain Aspects Of Welfare Economics", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 52, No. 2, pp. 310-334.
 Layard, P. R. G., and Walters, A. A. (1978), *Microeconomic Theory*, London, McGraw-Hill College.
 Samuelson, Paul Anthony (1966), *Foundations Of Economic Analysis*, Harvard University Press.
 Suzumura, Kotaro (1987), "Social Welfare Function", *The New Palgrave; A Dictionary of Economics*, London, Macmillan Press.